

بررسی و نقد کتاب اقتصاد کلان^۱

محمد واعظ برزانی*

چکیده

در این مقاله یکی از آثار معروف اقتصاد کلان کشور که در مجموعه متنوعی از مؤسسات آموزش عالی داخل برای تدریس در سطح کارشناسی رشته اقتصاد و رشته‌های مرتبط تدریس می‌شود، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، داوری شده است. در این روش سعی می‌شود ضمن معرفی اثر، جنبه‌های اصلی قوت آن بررسی، آن‌گاه مسائل اصلی و برخی مسائل جزئی آن ارائه شود.

جمع‌بندی داوری نشان می‌دهد که اثر روی هم‌رفته از حیث صوری مناسب، اما از حیث محتوایی فاقد مسائل مهمی، همچون رعایت ترتیب و تنظیم و انسجام جزئی و کلی، در طرح موضوعات است و تأکید غیر روش‌مندی بر بعضی دیدگاه‌ها دارد. این در حالی است که اثر در مقایسه با مجموعه منتخبی از کتب اقتصاد کلان که به طور متعارف برای تدریس درس اصول علم اقتصاد (۲) مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جامعیت بیش‌تری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد کلان، ارزیابی صوری، ارزیابی محتوایی، داوری کتاب.

۱. مقدمه

هر اثر علمی با رویکردهای مختلفی می‌تواند مورد توجه و استفاده قرار گیرد. ساده‌ترین رویکرد این است که با مطالعه آن اثر، مجموعه آگاهی‌های انباشته‌شده در آن به خواننده انتقال یابد. معمولاً دانشجویان با چنین رویکردی آثار علمی را مطالعه می‌کنند و انتظار بیش‌ترین انتقال را در کم‌ترین زمان دارند، اما رویکرد دیگر مطالعه نقادانه است که در آن

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان Mo.vaez1340@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۰

خواننده سعی می‌کند ضمن انتقال آگاهی‌های موجود در اثر آن را با سابقه ذهنی ناشی از آگاهی‌های قبلی خود، هم در موضوع مورد مطالعه و هم به طور کلی از حیث منطقی بودن، مقایسه و برای خویش دستاوردی کسب کند. به رویکرد دوم می‌توان «مطالعه عمیق انتقادی» اطلاق کرد (واعظ برزانی و مقدم، ۱۳۸۸). در این رویکرد، دو محور اساسی در نقد عبارت‌اند از: مشخص کردن نقاط قوت و نقاط ضعف آن اثر. هدف از بیان نقاط قوت حفظ آن در چاپ‌های بعدی و به همین ترتیب، هدف از بیان نقاط ضعف زدودن آن در چاپ‌های بعدی آن اثر یا آثار مشابه است.

در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی یکی از آثار متداول اقتصاد کلان کشور نقد می‌شود که مؤلف محترم آن از اساتید معروف و با سابقه اقتصاد است.

۲. پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر موارد بسیار محدودی داوری یا نقد کتب اقتصاد کلان در کشور انجام گرفته است (مقدم، ۱۳۸۸). در این مقاله به دو مورد جدید اشاره می‌شود:

محمد واعظ، در سال ۱۳۸۷، در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی کتاب سیر تحول در تجزیه و تحلیل‌های اقتصاد کلان»، نوشته ابراهیم گرجی، با روش تحلیلی - توصیفی اثر را از نظر صوری و محتوایی داوری کرده است. بر اساس ارزیابی انجام‌شده، مسائل و مشکلات صوری در فصول مختلف اثر متفاوت است به طوری که، در بعضی فصل‌ها بیش‌تر و در بعضی فصل‌ها کم‌تر است. مهم‌ترین مسئله صوری در آن منطبق نبودن عنوان فارسی با عنوان لاتین است؛ ضمناً، اثر در موارد متعدد نیازمند ویراستاری است. مهم‌ترین مسئله محتوایی اثر تفکیک‌نشده فروض، مشتمل بر فروض صریح و ضمنی، و نحوه تجزیه و تحلیل و استنتاجات هر مکتب اقتصاد کلان در مقایسه با مکاتب دیگر اقتصاد کلان است. بنابراین امکان درک منظم و روش‌مند هر مکتب اقتصاد کلان برای خواننده میسر نیست.

محمد واعظ و وحید مقدم، در سال ۱۳۸۸، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تلفیقی آثار و کتب درسی اقتصاد کلان» سی کتاب درسی اقتصاد کلان (نوزده کتاب تألیفی و یازده کتاب ترجمه‌شده) را به صورت تلفیقی، با استفاده از روش تحلیل محتوا، ارزیابی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد، با توجه به ضوابط مربوط به یک کتاب درسی مطلوب در اقتصاد کلان، کتب اقتصاد کلان موجود وضعیت مطلوبی ندارند؛ به طوری که، مهم‌ترین

مسائل محتوایی این کتب فقدان نظریه‌های ارزش‌محور و قدرت توضیح‌دهندگی برای محیط اقتصاد کلان ایران است.

۳. معرفی مختصر مؤلف

محمد طبیبیان مؤلف محترم اثر از جمله اساتید معروف اقتصاد است که طی سال‌های اخیر منشأ خدمات متنوعی بوده است. وی دارای درجه دکتری اقتصاد از دانشگاه دوک امریکا است که در اوایل دهه ۶۰ هجری قمری مسئولیت مدیر دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه را به عهده گرفته است. پس از انتقال به دانشگاه صنعتی اصفهان و تأسیس رشته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌ها به تدریس دروس اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، برنامه‌ریزی اقتصادی، و اقتصادسنجی اهتمام داشت. متعاقباً با تصدی معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سپس، ریاست مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه و بالاخره، ریاست مؤسسه عالی بانک‌داری ایران به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود ادامه داد. وی در سال ۱۳۸۷ بازنشسته شد، اما کماکان فعالیت‌های علمی خود را ادامه می‌دهد.

۴. معرفی مختصر اثر

اثر با زبان روان و رسا سعی در معرفی عمده مباحث اقتصاد کلان مقدماتی و اقتصاد کلان میانه شامل حسابداری ملی، شناخت اجزای اصلی تقاضای کل، بخش خارجی اقتصاد، بازار کار، عرضه کل، و معرفی پدیده‌های اصلی اقتصاد کلان شامل تورم، رکود، بیکاری، و رشد اقتصادی داشته است. ابزار اصلی تجزیه و تحلیل‌ها منحنی‌های IS و LM و در برخی موضوعات روش‌های جبری است.

۵. مرور مختصر فصل‌های اثر

اثر در فصل اول کلیاتی راجع به اقتصاد کلان طرح کرده است که تبیین جایگاه اقتصاد کلان نتیجه آن است. سپس، در فصول دوم تا پنجم به موضوع حسابداری ملی پرداخته است به طوری که، نخست سنجش فعالیت‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن تغییرات قیمت و سپس، با در نظر گرفتن تغییرات قیمت آورده شده است. مباحث حسابداری ملی در اثر از یک سو برای مخاطب قابل فهم و منسجم است و از سوی دیگر، با استفاده از طرح مثال‌هایی از اقتصاد ایران است.

در فصول ششم تا دهم نخست اجزای تقاضای کل در بخش حقیقی به ترتیب شامل مصرف بخش خصوصی یا سرمایه‌گذاری، صادرات، و واردات معرفی شده است آن‌گاه، پس از ارائه شرط تعادل سطح درآمد، چگونگی تغییر آن سطح در نتیجه چند سیاست (ضرایب فزاینده) توضیح داده شده است. فصول فوق اساساً تحت نگرش کینزی تدوین یافته و با روانی، رسایی، و انسجام قادر به ارائه ساده‌شده آن‌الگو به مخاطب است.

اثر در فصل یازدهم بحث جدیدی با عنوان «ظرفیت تولید یک نظام اقتصادی» طرح کرده است سپس، در فصل بعد به تأثیرپذیری سطح تعادل درآمد در نتیجه چند سیاست (ضرایب فزاینده) تحت چند فرض پرداخته است و این کار در فصل سیزدهم با فرض انطباق تدریجی سطح قیمت‌ها به‌اختصار تکرار شده است. فهم تغییر نگرش به تولید از تقاضامحور به عرضه‌محور (از فصل یازدهم) برای خواننده به‌سادگی امکان‌پذیر نیست بنابراین، فهم توأم سه فصل اخیر در کنار پنج فصل قبل آن دشوار است.

اثر در فصول چهاردهم تا هفدهم به مباحث نقش پول و اسکناس و بانک در ایران، عملیات بانکی، و تأثیر آن در حجم پول و نقدینگی و بالاخره تقاضا برای پول پرداخته است. این پردازش به گونه‌ای است که، به واسطه توضیحات زیاد در فصل پانزدهم، اثر از محتوای یک کتاب اقتصاد کلان خارج و محتوای یک کتاب تاریخچه پول و بانک‌داری در ایران را به خود گرفته است.

اثر در بخش هجدهم سعی کرده است به‌اختصار تأثیرپذیری سطح درآمد در نتیجه چند سیاست (ضرایب فزاینده) را، با وجود بخش پولی و در چهارچوب چند نگرش اقتصاد کلان، طرح کند. این کار در فصل نوزدهم با واردکردن بخش خارجی به صورت ناقص تکرار شده است، زیرا همه معادلات مربوطه مانند معادله (BOP) یا تراز پرداخت‌های خارجی معرفی نشده‌اند. ضمناً در فصل نوزدهم مباحث پراکنده‌ای راجع به نرخ ارز و ثبات رشد اقتصادی آورده شده است.

اثر در فصل بیستم با عنوان «نظام پولی بین‌الملل و ترتیبات تجاری» مباحثی از تاریخچه نظام پولی بین‌المللی و تاریخچه نظام تجاری بین‌الملل را آورده است. مباحث فوق مستقیماً به الگوی ریاضی قبلاً معرفی شده، ربط داده نشده‌اند.

۶. مقایسه اثر با آثار مشابه

اثر تکمیل شده و ویرایش شده متنی است که نخست در نیمه دهه ۶۰ هجری قمری منتشر

شده است. در آن زمان اثر تقریباً فاقد رقیب بود، اما ویرایش اخیر در شرایطی وارد بازار نشر شد که با دو دسته آثار جایگزین روبه‌رو است:

الف) متون اقتصاد کلانی که برای تدریس درس اصول علم اقتصاد (۲)، که همان درس اقتصاد کلان رشته‌های مدیریت و حسابداری، و یا تدریس درس اقتصاد کلان (۱) دوره کارشناسی اقتصاد تدوین شده‌اند. سه متن اصلی از این مجموعه متون را منفرداً محمود روزبهان (۱۳۸۸)، احمد اخوی (۱۳۷۴)، و حمید کردیچه (۱۳۸۹) تألیف کرده‌اند.

ب) متون اقتصاد کلانی که برای تدریس دو درس اقتصاد کلان (۱) و اقتصاد کلان (۲) دوره کارشناسی اقتصاد و آمادگی داوطلبان ورود به آزمون کارشناسی ارشد رشته اقتصاد تدوین شده‌اند. شش متن اصلی این دسته را فریدون تفضلی (۱۳۷۵)، تیمور رحمانی (۱۳۷۸)، عباس شاکری (۱۳۹۰)، و ترجمه‌های کتب تدوین‌شده برانسون، دورن‌بوش - فیشر و منکیو تشکیل می‌دهند.

اثر از حیث محتوا در مقایسه با آثار دسته اول از جامعیت بهتر و محتوای جدیدتری برخوردار است. برای مثال درج مطالبی همچون قاعده کینز - رمزی (ص ۱۶۳)، ثبات سطح درآمد ملی تعادلی (ص ۲۲۸)، و تحلیل تأثیر تغییر در متغیرهای اسمی کلان (مانند مخارج دولت) و در متغیرهای حقیقی (مانند سطح تولید و اشتغال) با فرض انطباق آتی سطح قیمت‌ها (ص ۳۱۵-۳۲۴) مخصوص این متن است.

اثر از حیث محتوا در مقایسه با آثار دسته دوم از جامعیت کم‌تری برخوردار است. برای مثال، مطالبی در زمینه تحلیل تفصیلی نظریات درآمد نسبی و چرخه درآمد، نظریه سرمایه‌گذاری طبق اصل شتاب، مقایسه مکاتب رقیب در بحث‌های اصلی، تبیین تأثیر سیاست‌های مختلف در تعادل بخش خارجی اقتصاد، و تبیین اثر جانشینی جبری به کمک دستگاه LM و IS مطرح نشده است.

۷. اثر از حیث جامعیت صوری

اثر واجد عمده مشخصه‌های یک متن درسی از قبیل پیش‌گفتار، متن، پیش‌گفتار فصل، توضیح منظم مطالب هر فصل، خلاصه مطالب فصل، جداول، نمودارها، و آمارهاست، اما منابع استفاده‌شده یک‌جا در انتهای آن آورده نشده است. ضمناً اثر فاقد فهرست اعلام و موضوعات است.

مقایسه صوری اثر با آثار مشابه نشان‌دهنده قوت اثر از حیث روانی و رسایی

به‌خصوص در ده فصل اول است؛ به طوری که، تجربه تدریس نگارنده نشان می‌دهد که خواننده علاقه‌مند به‌تنهایی قادر به فهم عمده محتوای فصول فوق است، اما همان خواننده در فهم بقیه اثر با مشکلات متعددی روبه‌رو است که متعاقباً توضیح داده خواهد شد. مطالب مندرج در اثر خوانا و صحافی آن مستحکم است، اما جوهر قلم در همه صفحات یکسان نیست همچنین، قلم به‌کار رفته در متن ریز و درشت است. برای مثال، قلم معادله صفحه ۵۱۶ با قلم معادله صفحه ۵۱۰ مطابقت ندارد.

۸. برجستگی‌های محتوایی اثر

در این بخش مهم‌ترین برجستگی‌های محتوایی اثر توضیح داده خواهد شد:

۱.۸ ماهیت متن درسی داشتن اثر

چون عمده بخش‌های اثر حاصل تأملات مؤلف بر موضوعات مطالعه‌شده است بنابراین، محتوای اثر روی هم‌رفته سازگار و به صورت حاصل قلم یک ذهنیت واحد است به طوری که، مطالعه آن برای خواننده یک سیر ذهنی ایجاد می‌کند.

۲.۸ تمرینات طبقه‌بندی‌شده در پایان هر فصل

تمرینات آخر هر فصل به گونه‌ای تنظیم شده است که بخشی از آن به طور مستقیم ناظر به گستره فهم و بخشی دیگر ناظر به عمق فهم محتوای فصل است. به طوری که، بخش دوم خود در دو بخش تمرینات معمول و تمرینات عمیق (یا نیازمند پژوهش) تدوین شده است.

۳.۸ استفاده از داده‌ها و آمارهای اقتصاد ایران

سازمان‌دهی محتوا در بعضی فصول و تمرینات به گونه‌ای است که از داده‌ها و آمارهای اقتصاد ایران استفاده شده است. درج آمارهای اقتصاد ایران به خواننده در شناخت اقتصاد ایران کمک می‌کند. بدیهی است آمارهای فوق در چاپ‌های بعدی باید روزآمد شوند و فراگیری بیش‌تری پیدا کنند.

۴.۸ وجود بسته نرم‌افزاری کمک آموزشی

برای انجام‌دادن تمرینات و کسب اطلاعات بیش‌تر، یک نرم‌افزار آموزشی تهیه شده که

مشمول بر حدود یکصد سری زمانی از آمارهایی است که در متن کتاب به کار رفته‌اند و می‌تواند برای مطالعه و بررسی محتوای کتاب مورد استفاده قرار گیرد. این نرم‌افزار یک بخش الگوها نیز دارد. وجود نرم‌افزار فوق جنبه بدیع اثر در مقایسه با آثار مشابه است.

۹. مسائل محتوایی اثر

در این بخش اهم مسائل محتوایی اثر با ذکر مثال به شرح ذیل آورده می‌شود:

۱,۹ فقدان پردازش روش‌شناسی اقتصاد کلان

با عنایت به تشابه تقریبی بسیاری از موضوعات اقتصاد خرد با اقتصاد کلان، در ابتدای یک کتاب آموزشی اقتصاد کلان انتظار می‌رود ضرورت مطالعه آن مستنداً بیان شود. اثر در این زمینه در اولین صفحه مقدمه خود به ذکر این مطلب بسنده کرده است که: «رشته اقتصاد کلان به بحث پیرامون نمودهای کلی عملکرد یک نظام اقتصادی می‌پردازد». در حالی که، توضیح موضوعاتی چون مطالعه اقتصاد کلان، اهداف مطالعه اقتصاد کلان، و روش‌شناسی مطالعه اقتصاد کلان (چگونگی استخراج نظریات و ارزیابی آنها) به زبان ساده و درخور فهم ضرورت دارد.

۲,۹ مسائل مربوط به تنظیم و ترتیب مطالب

در بخش‌هایی از کتاب، تنظیم و ترتیب محتوایی مطالب برای خواننده ناآشنا رعایت نشده است. در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. در صفحه ۲۸۵، قبل از این که مفهوم «بازار کامل» تعریف شود این مفهوم به کار گرفته شده است؛

۲. در صفحه ۲۹۴، واژه هم‌فزونی (aggregation) آورده شده است، اما در بخش ضرورت مطالعه اقتصاد کلان، در ابتدای اثر، آن مفهوم طرح نشده است. در حالی که به طور منطقی وقتی می‌توان این واژه را به کار گرفت که در ابتدا به روشنی معرفی شده باشد؛

۳. در صفحه ۳۰۹، مطالبی درباره مقابله دولت با بالارفتن سطح قیمت‌ها بدون بیان مبانی اقتصاد خردی آن و به یکباره آورده شده است؛

۴. در حالی که عنوان فصل چهاردهم تجارت خارجی و تراز پرداخت‌هاست، در داخل فصل، بخشی با عنوان «ثبات و رشد» آورده شده است؛

۵. در صفحه ۳۰۹، عرضه نیروی کار تابعی از نرخ دست‌مزد اسمی معرفی شده است در حالی که، قبلاً در صفحه ۲۸۳ بدون ذکر مبانی نظری تابعی از نرخ دست‌مزد حقیقی آورده شده است؛
۶. فصل هیجدهم به اثربخشی سیاست‌های پولی و مالی از دیدگاه مکاتب مختلف اختصاص یافته است؛ در حالی که، مبانی دیدگاه مکاتب مختلف در قبل آن آورده نشده است؛
۷. پس از این که در صفحات ۳۰۷-۳۱۱ به موضوع سراب پولی پرداخته شده، در صفحات ۴۷۱-۴۸۲ مبانی نظری آن یعنی الگوی اقتصادی کینز معرفی شده است؛
۸. در صفحه ۳۱ و سطر دوازدهم، توسعه نظریه حساب‌های ملی مقدم بر چهارچوب نظری اندازه‌گیری حساب‌های ملی آورده شده، در حالی که به طور منطقی توسعه نظریه فوق پس از معرفی آن نظریه امکان‌پذیر است؛
۹. در صفحه ۲۸۲، به یک‌باره یکی از عوامل مؤثر در جمعیت فعال اقتصادی کشور، بدون ذکر مبانی نظری مربوطه، نرخ دست‌مزد حقیقی ذکر شده است؛
۱۰. در فصل نوزدهم ذیل عنوان «تجارت خارجی و تراز پرداخت‌ها» موضوعات متنوعی از جمله: تراز پرداخت‌ها، نرخ برابری ارزی، نظریه برابری قدرت خرید، و ثبات و رشد اقتصادی آورده شده است که چپ‌ش آن‌ها در کنار هم ذهنیت یک‌پارچه‌ای را برای خواننده ایجاد نمی‌کند؛
۱۱. نقل آمارهای اقتصاد ایران بر آمارهای دو حوزه حسابداری ملی و بخش پولی متمرکز شده است. به عبارت دیگر، اثر فاقد مثال‌های متنوع در همه مباحث خود از اقتصاد ایران است؛
۱۲. فصل دوازدهم اثر با عنوان «الگوی بخش حقیقی اقتصاد» دارای مباحثی مربوط به عنوان فصل مانند تحلیل بازار کار است، اما فصل فاقد جمع‌بندی آن مباحث است. برای مثال، در جمع‌بندی به تأثیر تحلیل بازار کار در عرضه کل پرداخته نشده است؛
۱۳. دو واژه «تعادل مالی» و «تعادل فیزیکی» به صورت مشابه در طول اثر آورده نشده‌اند. برای مثال، در صفحه ۴۷۹ به جای تعادل مالی صفحات ۲۲۰-۲۳۱، تعادل فیزیکی آمده و در آن صفحه تعادل مالی در کنار تعادل پولی آورده شده است.

۳,۹ مسائل مربوط به دوپاره‌بودن متن

تجربیات حاصل از تدریس نگارنده نشان می‌دهد که خواننده علاقه‌مند قادر به فهم

عمده ده فصل ابتدای اثر است که دو بحث اساسی آن حسابداری ملی و طرف تقاضای اقتصاد کلان است، اما در فهم مستقل چهار فصل بعد در زمینه عرضه اقتصاد کلان با مشکل روبه‌رو است؛ مقدمه فصل یازدهم که علی‌الاصول باید نقش حلقه واسطه طرف تقاضای اقتصاد با طرف عرضه اقتصاد را ایفا کند به‌خوبی تدوین نشده است. در این زمینه بخشی از مقدمه فصل یازدهم اثر آورده می‌شود:

از آن‌جا که سطح درآمد ناخالص حقیقی، یا به عبارت دیگر درآمد ناخالص ملی، بر حسب قیمت‌های ثابت، بستگی به میزان تولید در یک نظام اقتصادی دارد، بنابراین عواملی در تعیین ظرفیت بالقوه تولید و درآمد ناخالص ملی حقیقی یک جامعه مؤثرند که در توان تولیدی آن جامعه اثر گذارند (طیبیان، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

در مطالب ذکر شده ابهامات ذیل به چشم می‌خورد:

۱. با توجه به این که ظرفیت بالقوه تولید همان توان تولیدی جامعه است، چه نیازی به تکرار یک مفهوم با واژگان متفاوت است؟
۲. با دانستن این که درآمد ناخالص ملی بر حسب قیمت‌های ثابت به میزان تولید بستگی دارد، چه مطلبی می‌توان راجع به ظرفیت بالقوه تولید یا توان تولید نتیجه گرفت؟ یعنی حلقه اتصال بین تولید تحقق‌یافته با تولید بالقوه توضیح داده نشده است.

۹، ۴ مسائل مربوط به ترتیب معرفی اثر جانشینی جبری

معمولاً در کتب اقتصاد کلان نخست اثر جانشینی جبری (Crowding-out effect) (اثر دفع ازدحامی) ناشی از تغییرات نرخ بهره طرح سپس، اثر جانشینی جبری ناشی از تغییرات قیمت آورده می‌شود؛ در حالی که در این اثر اولاً، به صورت صریح به هیچ‌یک از این دو وضعیت اشاره نشده است ثانیاً، به صورت تلویحی ابتدا در فصل دوازدهم اثر جانشینی جبری ناشی از تغییرات قیمت طرح شده است سپس، در فصل هجدهم اثر جانشینی جبری ناشی از تغییرات نرخ بهره آورده شده است. اشکال ترتیب فوق این است که بدون فهم دقیق معادله تقاضای کل، که مشتمل بر دو بخش حقیقی و پولی اقتصاد است و در آن اثر جانشینی جبری ناشی از تغییرات قیمت جای دارد، عرضه کل طرح شده است که این ترتیب ذهنیت نامنظمی در خواننده غیر حرفه‌ای شکل می‌دهد.

۵,۹ مسائل مربوط به فقدان الگوی سیاستی در اقتصاد کلان

مهم‌ترین توصیه سیاستی اثر در زمینه سیاست‌گذاری اقتصاد کلان مد نظر قراردادن تثبیت اقتصادی است که در جمع‌بندی فصل‌های هجدهم و نوزدهم به شرح ذیل آمده است:

بر اساس مطالعات اخیر در اقتصاد به کاربردن سیاست‌های مالی و پولی برای ایجاد تغییرات شدید در متغیرهای اقتصادی توصیه نمی‌شود، بلکه پی‌گیری خط‌مشی‌های ثابت‌بخش در جریان‌های مالی و پولی و ایجاد شرایط برای معتبربودن خط‌مشی‌های دولت در انظار مردم توصیه می‌شود (همان: ۴۸۳).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که اثر خط‌مشی‌های پولی و مالی بایستی ایجاد شرایط ثابت اقتصادی باشد، تا خط‌مشی‌هایی که امکان رشد اقتصادی را فراهم می‌کند بدون برخورد با اغتشاش، اثر خود را اعمال نماید (همان: ۵۱۵).

در استنتاج‌های سیاستی ذکرشده باید توجه داشت که توصیه‌های فوق یک الگوی سیاستی اقتصاد کلان نیست، بلکه صرفاً یک هشدار سیاستی است. در حالی که، انتظار اساسی از یک متن درسی اقتصاد کلان این است که یک الگوی سیاستی سازگار، هر چند به‌اختصار، ارائه کند به طوری که مجموعه سیاست‌های اقتصاد کلان و خط‌مشی‌های هر سیاست در چهارچوب آن معنا پیدا کند.

۶,۹ مسائل مربوط به روش طرح مباحث سطح درآمد تعادل و تغییرات آن

برای طرح مباحث مربوط به سطح تعادل درآمد و تغییرات آن در آثار اقتصاد کلان یا صرفاً از روش توصیفی استفاده می‌شود، یا روش توصیفی با روش نموداری تلفیق می‌شود، یا روش توصیفی با روش جبری تلفیق می‌شود، و یا از هر سه روش به صورت تلفیقی استفاده می‌شود. در هر حال یکنواختی روش توضیح برای فهم موضوع، با در نظر گرفتن مخاطب، واجد اهمیت است. در این اثر، به صورت یک‌پارچه، هیچ‌یک از روش‌های چهارگانه مورد توجه واقع نشده است. برای مثال، در فصل هجدهم معادله تقاضای کل از روش جبری استخراج شده است، اما معادله عرضه کل از روش جبری استخراج نشده و صرفاً معادله عمومی عرضه کل آورده شده است؛ بنابراین در این فصل امکان تبیین جبری تغییرات سطح تعادل درآمد در نتیجه سیاست‌های مختلف میسر نیست. این در حالی است که قبلاً در فصل دهم تعیین سطح تعادل درآمد و تغییرات آن، در چهارچوب فروض طرح‌شده، با یک روش و به طور منظم انجام شده است.

۷,۹ مسائل مربوط به محدودیت طرح دیدگاه‌ها در اقتصاد کلان

در حالی که در مقدمه کتاب، اقتصاد کلان محصول یک ساختار نهادی تلقی شده است، اما در متن به این موضوع توجه جدی نشده است. مثلاً، به تأثیر ساختار نهادی ایران در فهم ما از مسائل اقتصاد کلان به صورت روش‌مند پرداخته نشده و موارد معرفی تأثیر ساختاری نهادی در تحلیل‌های کلان صرفاً در چهارچوب ادبیات رایج مثلاً با عنوان «چسبندگی دست‌مزدهای اسمی» آورده شده است. در این زمینه، چنانچه از نظر مؤلف محترم توجه به تمایز بین «پول درونی» و «پول بیرونی» در اقتصاد ایران اهمیت دارد، باید به آن تصریح شود. بی‌توجهی جدی به ساختار نهادی ایران در اثر باعث شده است که نتوان روی هم‌رفته اثر را، در تحلیل‌های اقتصاد کلان، یک اثر بومی تلقی کرد.

۸,۹ تأکید غیر روش‌مند بر بعضی دیدگاه‌ها

انتظار است یک متن علمی، و به طور خاص یک متن آموزشی، روش‌مند و دارای ماهیتی غیر عکس‌العملی باشد؛ به طوری که، در تحلیل هر موضوع فروض از استدلال و استنتاج متمایز شده باشد. در حالی که، در بخش‌هایی از اثر مورد بحث مفروض به‌منزله استنتاج آمده است. برای مثال، در حالی که مفروض الگوی مصرف «مثبت‌بودن نرخ بهره پولی مثبت» است، وجود آن نرخ نتیجه منطقی بحث معرفی شده است که در ذیل به آن بیش‌تر پرداخته می‌شود:

اثر در صفحات ۱۵۷-۱۶۲ با دفاع از نرخ بهره بر مبنای یکی از ریشه‌های ذهنی نرخ، یعنی رجحان زمانی، سعی در عقلایی نشان‌دادن نرخ بهره پولی مثبت کرده است. در این زمینه در اثر آمده: «... می‌توان با اطمینان پذیرفت که نرخ رجحان زمانی برای اکثر مردم یک عدد بزرگ‌تر از صفر است». در این ارتباط مسائل زیر قابل طرح است:

۱. گزاره فوق بر اساس چه روش علمی یا منبع معتبری آورده شده است؟ به عبارت دیگر، گزاره فوق باید شهودی باشد که هر عقل متعارف آن را بپذیرد یا حاصل یک مطالعه روش‌مند علمی باشد که به هیچ‌یک اشاره نشده است؛

۲. چنانچه خردمندی پایه رفتار عامل اقتصادی پذیرفته شود، حاصل آن متناسب مصرف‌کردن در طی زمان است نه لزوماً تعجیل در مصرف. بنابراین، هر نوع به تأخیرافتادن مصرف، مصرف‌کننده را دچار کاهش مطلوبیت نخواهد کرد که برای جبران آن پاداش مثبت در نظر گرفت؛

۳. چنانچه با استفاده از روش علمی درستی یا صدق نظریه رجحان زمانی پذیرفته شود، صرفاً بر اساس آن نمی‌توان مشروعیت نرخ بهره پولی مثبت را اثبات کرد، زیرا امکان دارد پذیرش آن با حقایق دیگری در عالم منافات داشته باشد.

۱۰. نتیجه‌گیری

پیشنهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی، ضمن حفظ برجستگی‌های صوری و محتوایی اثر، به مسائل محتوایی آن به‌خصوص در زمینه پرداختن به روش‌شناسی اقتصاد کلان، رعایت ترتیب در طرح موضوعات، و پرهیز از تأکید غیر روش‌مند بر بعضی دیدگاه‌ها توجه شود؛ به طوری که، حاصل آن تدوین یک متن درسی مطلوب با هدف تدریس درس اقتصاد کلان (۱) دوره کارشناسی اقتصاد و اصول علم اقتصاد (۲) برای رشته‌های مرتبط شود.

پی‌نوشت

۱. ← طبیبیان، ۱۳۸۶. چاپ هفتم آن در ۲۰۰۰ نسخه چاپ شده است.

منابع

- اخوی، احمد (۱۳۷۴). *اقتصاد کلان، پایه‌ای و کاربردی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- برانسون، ویلیام (۱۳۷۶). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). *اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، تهران: نشر نی.
- دورنبوش، رودیگر و استنلی فیش (۱۳۷۵). *اقتصاد کلان*، ترجمه محمدحسین تیزهوش تابان، تهران: سروش.
- روزبهان، محمود (۱۳۸۱). *تئوری اقتصاد کلان (۱)*، تهران: تابان.
- طبیبیان، محمد (۱۳۸۶). *اقتصاد کلان*، تهران: بازتاب.
- منکیو، گریگوری (۱۳۸۳). *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا برادران و شرکاء و علی پارسائیان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مقدم، وحید (۱۳۸۸). «پیشرفت علمی مطالعات اقتصاد کلان ایران»، رساله دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- واعظ برزانی، محمد و وحید مقدم (۱۳۸۸). *طرح تحقیقاتی ارزیابی تلفیقی کتب اقتصاد کلان ایران*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (انتشار نیافته).
- واعظ برزانی، محمد و وحید مقدم (۱۳۸۷). «ارزیابی تلفیقی آثار و کتب درسی اقتصاد کلان»، نامه علوم انسانی، ش ۱۹، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- واعظ برزانی، محمد (۱۳۸۷). «نقد و بررسی کتاب سیر تحول در تجزیه و تحلیل‌های اقتصاد کلان»، فصل‌نامه فرهنگ، ش ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.